

حادثه قتل کسروی*

(ماهنامه سخن، دوره سوم، شماره 1، فروردین 1325)

یکی از فجیع ترین حوادثی که در ایام اخیر اتفاق افتاد قتل مرحوم احمد کسروی در کاخ دادگستری است. شرح فاجعه را اکثر روزنامه ها نوشته اند و خلاصه آن این است که مرحوم احمد کسروی را با منشی او حدادپور در حالی که برای تحقیقات از طرف مستنطق احضار شده بود در کاخ دادگستری به وضعی مدهش به قتل رسانیدند و قاتلان او که در اثر زد و خورد مجروح شده بودند آزادانه و با فراغ خاطر از کاخ بیرون آمده فرار کردند و فقط وقتی که برای بستن زخم خود به بیمارستان رجوع کرده بودند دو تن از اینان دستگیر شدند و یکی دیگر نیز بعد توقیف شد.

اما مرحوم سید احمد کسروی که به این طرز وحشیانه در کاخ دادگستری یعنی مؤسسه ای که جز ایجاد ایمنی غرضی از تأسیس آن نیست کشته شده است، یکی از دانشمندان این کشور بود که نظیر او بدبختانه بسیار نیست. این مرد کوشا و عمیق در تاریخ ایران و لغت فارسی صاحب تتبعات و تألیفات است که او را نه تنها در نظر ایرانیان دانش دوست بلکه نزد خاورشناسان جهان قدر و مقامی بخشیده است.

کسروی نخستین کسی بود که در باره زبان باستان آذربایجان به تحقیق پرداخت و نتایج بزرگ به دست آورد و در رساله «آذری یا زبان باستان آذربایگان» اسناد و مدارکی را که از زبان قدیم آذربایجان به دست آورده بود منتشر کرد و «زبان آذری» را به عنوان یکی از لهجه های فارسی معرفی نمود. سه جلد کتاب **شهریاران گمنام** او شامل تحقیقات عمیقی است که در باره بعضی از سلسله های گمنام حکمرانان ایران کرده است و تاریخ خاندان های جستانیان و کنگریان و سالاریان و شدادیان و روادیان و جز اینها زنده کرده است. مرحوم کسروی چون برای تحقیقات تاریخی خود مراجعه به تواریخ و آثار ارمنی را لازم دید به تحصیل این زبان همت گماشت و به این طریق اسناد و مدارک تازه ای در باره زوایای تاریک تاریخ ایران به دست آورد که تا آن روز مجهول مانده بود.

رسالات **نام های شهرها و دیهای ایران** نخستین تحقیق دقیق و مبتنی بر موازین علمی زبانشناسی بود که توسط یکی از ایرانیان در باره تاریخ و جغرافیا و لغت این سرزمین انجام گرفته است. **تاریخچه شیر و خورشید** نیز یکی دیگر از تألیفات گرانبهای این مرد محقق دانش پژوه است. اما ذکر همه آثار و مؤلفات او فرصتی بیشتر می خواهد و در حوصله این یادداشت کوتاه نمی گنجد. فقط چند عنوان از آثار فراوان او می توان در اینجا ذکر کرد که از آن جمله است: **تاریخ مشروطیت ایران، یادداشت های در باره تاریخ طبرستان، تاریخ آمریکا** و غیره.

در سال های اخیر مرحوم کسروی به انتقادات اجتماعی پرداخته بود و در کتاب های **آئین و مجله پیمان** و روزنامه **پرچم** و کتب و رسالات متعدد دیگر به بحث درباره عقاید مذهبی و خصوصاً خرافات و موهومات و تصوف و غیره می پرداخت و با جرأت و جسارت آنچه را که خلاف نظر خود می یافت انتقاد می کرد. این انتقادات جسورانه البته همچنان که گروهی را به پیروی و قبول عقاید او واداشت جمعی را نیز با وی دشمن ساخت و بارها او را تهدید کردند و حتی سال گذشته به قصد جاننش کوشیدند و آن مرد دلیر از بیان عقاید خود دست برنداشت تا عاقبت جان خود را در سر این کار گذاشت.

بابا بسیاری از عقاید اخیر او موافق نبودیم و در صفحات مجله **سخن** گاهی از رد و ابطال عقاید او در باره شعر و شاعری و قواعد لغت فارسی و اختراع قواعد جدید صرف و نحوی که بر قیاس مبتنی بود و در نظر ما نادرست می نمود خودداری نکردیم. در قسمت انتقاداتی که به مذاهب می کرد نیز با نحوه استدلال او که گاهی مبتنی بر اصول علمی نبود موافقت نداشتیم. اما در هر حال هر ایرانی دانش دوست ناگزیر بود که به آثار دقیق و محققانه تاریخی کسروی به نظر احترام بنگرد و قدر خدمات آن دانشمند را بشناسد.

قتل کسروی به آن وضع فجیع یکی از لکه های ننگی است که به دامان اجتماع ما افتاده است و ایرانیان را در نظر جهانیان بدنام می کند زیرا مردی چنین دانشمند و پاکدامن را به جرم اظهار عقیده ای که مخالف رای عموم است به این طریق کشتن نشانه توحش است.

*برگرفته از: ناصرپاکدامن، قتل کسروی، چاپ دوم، آلمان، انتشارات فروغ، 1380، ص 236-235.